



ما به قدرت آگاهی و آموزش باور داریم

# نشریه انجمن همراهان بدون مرز

شماره هفت، مرداد ۱۴۰۱، جولای ۲۰۲۲



هدف اصلی آموزش، روشن کردن ذهن‌های جوان و توانمند ساختن آنها برای دستیابی به حداکثر پتانسیل خود است.

«نیئا آمبانی»



# فهرست

۳

## فعالیت‌های داوطلبانه؛ سرمایه‌های ارزشمند جامعه

احتمالا افرادی که فعالیت‌های داوطلبانه دارند، گزینه‌ی مناسب‌تری برای استخدام و قبول مسئولیت کاری می‌باشند.

۴

## تاثیر آموزش بر سلامت روان کودکان

اینکه چگونه به کودکان یاد بدهیم در مواجهه با احساسات چه واکنش یا واکنش‌هایی می‌تواند به نتایج بهتری منجر شود، تنها و تنها از مسیر آموزش می‌گذرد.

۶

## رابطه آموزش و ارتکاب جرم

تایج بررسی‌ها در انگلیس نشان می‌داد که هزینه تحصیل اضافه‌تر کاملا با منافع ناشی از کاهش جرم در اجتماع جبران می‌شود.

۸

## آموزش مهاجران

مهاجران افغان به دلیل خاستگاه مشترک زبانی، معمولا به مشکلات زبانی حادی برخورد نمی‌کنند. اما تلاشی هم برای آموزش فرهنگ و قوانین کشور به آنها صورت نمی‌گیرد.

۹

## بحران؛ کودکان کار یا کار کودکان

اینجاست که پیش از هر زمان دیگر، نقش نهادهای اجتماعی و گروه‌های مدنی نیاز جامعه است و علاوه بر حساسیت داشتن نسبت به تصمیم دولت‌ها، تلاش‌های جمعی از لحاظ نرم افزاری در قالب تولید برنامه‌های آگاهی دهنده به جامعه در پذیرش کودکانی که فقر آنها را به کار واداشته در کمک به درک ماجرا بسیار مهم است.

۱۰

## آموزش افراد کم توان

انگار که مدرسه و سیستم آموزشی نه فقط هوای همه‌ی بچه‌ها را داشت، بلکه با ادغام همه‌ی دانش‌آموزان به آنها یادآوری می‌کرد که جامعه‌ی فردا چیزی شبیه همین جاست: با افرادی گاه و بسیار متفاوت.

۱۱

## همراهان بدون مرز در سه ماهه ی دوم ۲۲۰۲

با حمایت‌های شما همراهان گرامی و تلاش کارگروه‌های مختلف انجمن در سال ۱۴۰۱، ۱۵۵۹ نفر در قالب ۸ طرح موردی و ماهیانه مورد حمایت انجمن قرار گرفته‌اند.

۱۴

## بوم‌نقاشی

هیئت تحریریه: آصفه غدیری بیدهدنی، شادان مظفری، حامد سقایی،

فهمیه ضیایی، مهسا رویین تن

و با تشکر از گروه عکاسی هنرمندان بلوچ، کارگروه مالی و طاهره گلستانی زاده

publication@rwb.charity

صاحب امتیاز: انجمن همراهان بدون مرز

مدیر مسئول: روابط عمومی انجمن همراهان بدون مرز

سردبیر: ناصر پویافر

طراح جلد: رویا شمسی نژاد، سمیرا شادپور

ویراستار: مهرناز صالحیان، سارا سلطانزاده

صفحه آرایی: کیانا خلیلی



## فعالیت‌های داوطلبانه؛ سرمایه‌های ارزشمند جامعه

ناصر پویافر



<https://www.welcome-to-rfp.org/volunteer-opportunities/volunteer-wo>

قسمت عمده‌ی کارهای مربوط به پذیرش، اسکان، پر کردن فرم‌های مربوطه، ثبت نام در مدارس و کلاس‌های زبان و... توسط داوطلبان انجام شد، به طوری که بدون حضور داوطلبین انجام این کارها غیر ممکن بود. لازم به ذکر است که در آلمان بیش از ۳۰ میلیون داوطلب، بدون دریافت دستمزد، در بخش‌های گوناگونی مانند پرستاری، مربی ورزشی و توزیع مواد غذایی فعال هستند. ایشان به طور داوطلبانه وظایفی را به عهده می‌گیرند که دولت به تنهایی قادر به انجام آن‌ها نیست. جمعیت این کشور حدود ۸۳ میلیون نفر است. انجام کار داوطلبانه، بدون داشتن روحیه‌ی همبستگی، اعتماد و مسئولیت‌پذیری غیرممکن است. به عبارت دیگر می‌توان گفت به موازات افزایش فعالیت‌های داوطلبانه، اعتماد و مسئولیت‌پذیری در جامعه افزایش می‌یابد و در نهایت به سرمایه اجتماعی ارزشمندی برای جامعه تبدیل می‌شود. دولت‌ها باید با فراهم کردن بسترهای قانونی و نیز آموزش و فرهنگ سازی، زمینه‌های ورود افراد به فعالیت‌های داوطلبانه را فراهم سازند تا همه‌ی افراد جامعه و نیز دولت، از مزایای آن بهره‌مند شوند.

ماهان دارند، ۷٪ بیشتر و کسانی که هر ۲-۴ هفته فعالیت داوطلبانه دارند، ۱۲٪ در مقایسه با کسانی که هیچ فعالیتی ندارند، شادتر هستند. احتمالاً خوانندگان عزیزی که در خارج از ایران کار می‌کنند، به این مهم واقف هستند که افراد در رزومه‌ی کاری خود، سابقه فعالیت‌های داوطلبانه‌ی خود را اعلام می‌کنند و معمولاً در مصاحبه‌های کاری نیز این امر مورد گفتگو قرار می‌گیرد. این نکته نشانگر آن است که احتمالاً افرادی که فعالیت‌های داوطلبانه دارند، گزینه‌ی مناسب‌تری برای استخدام و قبول مسئولیت کاری می‌باشند. در مورد تأثیر فعالیت داوطلبانه بر جامعه، باید به این نکته توجه کرد که بخش قابل توجهی از فعالیت‌های داوطلبانه، مکمل عملکرد دولت و یا جبران ضعف‌ها و کاستی‌های آن می‌باشد. فعالیت‌های داوطلبانه با هزینه‌ی کمتر و چابکی بیشتر صورت می‌گیرد، البته که دولت مسئولیت اصلی را بر عهده دارد، ولی در برخی موارد دولت به تنهایی نمی‌تواند گره گشا باشد و به داوطلبان احتیاج دارد. برای مثال سال ۲۰۱۵ تعداد زیادی از مردم سوریه، وارد کشور آلمان شدند.

در سرمقاله‌ی شماره‌ی اول نشریه (فوریه ۲۰۲۱) توضیح داده شد که رویکرد انجمن همراهان بدون مرز، به فعالیت‌های داوطلبانه و گاهی اجتماعی، از جنس مسئولیت اجتماعی می‌باشد. انجمن همواره در تلاش است تا روندی پیوسته، منطقی و پر بازده در راستای اهداف خویش داشته باشد.

در این شماره برآنیم که به تأثیرات این فعالیت‌ها بر فرد داوطلب و جامعه بپردازیم.

فعالیت‌های داوطلبانه را می‌توان در اختیار قرار دادن زمان یا مهارت به یک گروه یا سازمان داوطلب (برای مثال، سازمان‌های خیریه یا سازمان‌های غیرانتفاعی)

در طول یک فعالیت برنامه ریزی شده، تعریف کرد. البته نباید تصور کرد که فعالیت‌های داوطلبانه، فقط در چهارچوب سازمان‌های بزرگ و در سطح کلان انجام می‌پذیرند. بلکه ۷۰٪ فعالیت‌های داوطلبانه، به صورت غیررسمی، میان مردم و گروه‌ها و خارج از سازمان‌ها صورت می‌گیرد.

سازمان ملل متحد، روز ۵ دسامبر را به عنوان روز بین‌المللی داوطلب، نامگذاری کرد تا فعالیت‌های داوطلبان به رسمیت شناخته شده و ارتقا یابند. به طور تخمینی ۹۷۰ میلیون نفر در جهان، ساعاتی را به طور داوطلبانه، کار می‌کنند که معادل حدود ۱۲۵ میلیون نفر تمام وقت است. از منظر اقتصادی نیز، این کار معادل ۱/۳۴۸ تریلیون دلار و یا ۲/۴٪ کل اقتصاد جهان است. فرد داوطلب، بنابر انگیزه‌هایی فرای منافع شخصی و بدون چشم‌داشت مالی، زمان و توانمندی خویش را به طور رایگان، در اختیار فعالیت مدنظر خویش قرار می‌دهد. وی در حین همکاری با داوطلبان دیگر، شبکه‌ی ارتباطی و دوستی خود را گسترش داده و همچنین توانمندی خویش در کار گروهی و ارتباط، تعامل و فعالیت با دیگران را افزایش می‌دهد.

تحقیقات نشان می‌دهد که داوطلبانی که فعالیت

## تاثیر آموزش بر سلامت روان کودکان

فهمیه ضیایی

وجود امنیت، هیجان، ناامیدی/امید، اضطراب و افسردگی و... اما شیوه‌های بروز و ظهور و پاسخ‌گویی به احساسات و هیجان‌اتشان با بزرگسالان متفاوت و در برخی موارد نابالغانه و ناپخته است.

جدیدی به سمت ارتقاء امر آموزش بگشاید. در ابتدای تحلیل مساله‌ی رابطه‌ی میان آموزش و سلامت روان کودکان بهتر است به اهمیت امر آموزش تاکید ویژه‌ای داشته باشیم. کودکان، در فرایند رشد خود تمام احساسات انسانی را تجربه می‌کنند. تجربه‌هایی نظیر شادی، غم، خشم، عشق، عدم/

در گذشته کارکرد مدرسه به آموزش دروس، خواندن و نوشتن محدود می‌شد. اما در دهه‌های اخیر، به تاثیرات آموزش و پرورش نه فقط از جنبه‌ی یادگیری دروس تئوری و یا عملی، بلکه بر جنبه‌های مرتبط با سلامت روان فرد و جامعه نیز پرداخته شده است که نتایج حاصل از این پژوهش‌ها می‌تواند درجه‌های





شکست، از دست دادن عزیزان و... در بزرگسالی فراهم می‌کند.

- آموزش و تقویت رفتارهای درست و تصمیم‌گیری: یکی از مهارت‌های مهمی که به بهبود سلامت روان کودکان منجر می‌شود، آموزش رفتارهای درست و تصمیم‌گیری‌های صحیح است. هرچه کودکان بیشتر در معرض آموزش مهارت‌های اجتماعی نظیر حل مساله، تفکر نقادانه و پرسشگری، حل اختلافات و تصمیم‌گیری‌های درست در ارتباط با دیگر دوستان و جامعه قرار بگیرند، رشد شخصیت ایشان کامل‌تر شده و سلامت روانشان بهبود یافته‌تر تلقی می‌گردد.

بهبود فضای امن و مثبت در مدرسه: همانطور که گفته شد، احساس امنیت اولیه‌ترین نیاز کودکان است و بسیاری از اختلالات در بزرگسالی از احساس عدم امنیت در کودکی نشأت می‌گیرد. احساس امنیت در رابطه با مربیان، دوستان و جامعه به کودک این پیام را می‌دهد که او فردی دوست‌داشتنی است و در صورتی که قوانین مربوط به روابط را به درستی رعایت کند می‌تواند به فردی موفق در مدرسه و در نهایت در جامعه تبدیل شود. ایجاد حس امنیت در کودکان به بستری برای تقویت احساسات مثبت آنان نظیر شادی، مهربانی، همدلی و شفقت منجر می‌شود.

- تشویق کمک به دیگران: تحقیقات نشان می‌دهد که سلامت روان افراد در جامعه ارتباط تنگاتنگی با میزان تلاش آنان برای بهبود زندگی یکدیگر دارد. به عبارت دیگر، هرچه افراد خود را نسبت به کمک به یکدیگر بیشتر مسئول بدانند، جامعه - فارغ از متغیرهای نابسامانی اقتصادی و سیاسی- امید بیشتری برای گذر از بحران‌ها و پیشامدهای سخت خواهد داشت. و این امر محقق نخواهد شد مگر با آموزش، تشویق و تایید رفتارهای مهربانانه کودکان در مدرسه.

- تقویت تاب‌آوری: پیشامدهای غم‌انگیز و متاثر کننده بخش جدایی‌ناپذیر زندگی افراد هستند. چگونگی مواجهه با رنج و تحمل آن موضوعیست که در بسیاری موارد در امر آموزش کودکان مغفول مانده است. کودکان مانند بزرگسالان تمامی احساسات مرتبط با سوگ را تجربه می‌کنند اما نحوه بروز آن در سنین کودکی با بزرگسالی متفاوت است. آموزش مواجهه درست با رخدادهای ناراحت‌کننده و تاب‌آوری این رخدادهای نه تنها به بهبود سلامت روان ایشان در کودکی کمک می‌کند، بلکه زمینه را برای مواجهه درست و موثر با رویدادهای منفی نظیر

اینکه چگونه به کودکان یاد بدهیم در مواجهه با احساسات چه واکنش یا واکنش‌هایی می‌تواند به نتایج بهتری منجر شود، تنها و تنها از مسیر آموزش می‌گذرد. به عبارت دیگر هیچ راه میانبری برای رسیدن به این مرحله از تعالی وجود ندارد. تحقیقات نشان می‌دهد که نه تنها ریشه‌ی بسیاری از اختلالات روانی در بزرگسالی در اتفاقات کودکی رقم می‌خورد، بلکه در بسیاری موارد نشانه‌های اختلالات از همان سنین کودکی و نوجوانی خود را نشان می‌دهد.

بی‌توجهی به این نشانه‌ها باعث تشدید این اختلالات در بزرگسالی شده و می‌تواند به آسیب‌های بیشتری منجر شود. آسیب‌هایی که درمان هر کدام می‌تواند بسیار هزینه‌بر و زمانبر باشد و علاوه بر ایجاد مانعی در رشد و شکوفایی فرد، برای جامعه هم مضراتی به همراه داشته باشد. از آنجا که کودکان بخش مهمی از زمان خود را در مدرسه می‌گذرانند، امر مهم آموزش در این زمینه در درجه اول به‌عهده خانواده و در مرتبه دوم به‌عهده مدرسه است. در جوامعی که خانواده‌ها بعزت فقر و یا مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از کارکرد کافی برخوردار نیستند، آموزش در مدرسه اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند چرا که خلاء آموزش در خانواده را باید به‌نحوی جبران کند.

در ادامه به روش‌هایی برای ارتقاء سطح سلامت روان کودکان که می‌تواند برای مربیان و کادر آموزش مدارس مفید باشد می‌پردازیم؛

- ایجاد حس تعلق: حس پذیرفته شده بودن در جمع دوستان، مربیان، و خانواده از اولیه‌ترین نیازهای کودکان است. احساس تعلق داشتن و احساس امنیت در همبستگی شدیدی با یکدیگر قرار دارند. و هرچه کودکان از حضور در جمع احساس بهتری داشته باشند، سلامت روانشان بهبود بهتری می‌یابد.

## رابطه آموزش و ارتکاب جرم



تصویر ۱. کنترل ها و تمهیدات امنیتی در حال افزایش از سال ۲۰۱۴ در مدارس آمریکا (۸)

شادان مظفری

رابطه‌ی بین آموزش و پرورش و ارتکاب به جرم، دارای ابعاد بسیار گسترده‌ای بوده و سال‌ها است که موضوع مطالعات مختلف می‌باشد. نظریات مختلفی در این حوزه مطرح شده است. موارد ذیل دسته‌ای از این فرضیات را شامل می‌شوند (۱):

- عدم تحصیلات، احتمال تمایل شخص به جرایم و رفتارهای ضد اجتماعی را افزایش می‌دهد.
- همچنین شانس کلی افراد، برای یافتن شغل مناسب را هم تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.
- کمبود تحصیلات، رشد هوش شخص را محدود کرده و احتمال مورد سواستفاده قرار گرفتن و دخالت آنها در جرایم را افزایش می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهند، که هرچقدر سطح تحصیلات در جوامع بالاتر است، میزان جرایم در آنها کمتر می‌باشد.
- افزایش جرم به صورت منطقه‌ای، از تأثیرگذاری برنامه‌های تحصیلی مدارس بر دانش‌آموزان کاسته است. طبق مطالعات، افراد آفریقایی

آمریکایی و همچنین ساکنین آمریکای جنوبی، به طور متوسط آمار پایین‌تری در تحصیل، نسبت به بقیه نژادها دارند.

- در یک سطح تجربی، مشاهدات حاکی از آن است که سطح ارتکاب به جرم نوجوانان در ایام مدارس، کمتر از دوران تعطیلی مدارس است.

در واقع بخش بزرگی از نتایج بالا و اثرگذاری مستقیم تحصیل در کاهش جرم، ناشی از محدود کردن زمان آزاد نوجوانان است؛ پس می‌توان توصیه کرد که نوجوانان در سنین بحرانی، حضور بیشتری در مدارس داشته باشند.

یکی از دیگر استدلال‌هایی که برای توصیف علت کاهش ارتکاب به جرم با افزایش سواد مطرح می‌شود، کمتر بودن تمایل به ارتکاب جرم در افراد با شاخص هوش بالاتر و همزمان، موفقیت بیشتر این افراد در تحصیل تا مدارج بالاتر است. در ادامه

این استدلال، افرادی که سطح هوش پایین‌تری دارند، در تحصیل موفق نبوده و بنابراین در سنین پایین، اعتماد به نفس خود را از دست داده و

برای جبران این عزت نفس از دست رفته و عدم موفقیت در معیشت و اقتصاد، دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

نتایج تحقیقی توسط بکر و مولیگان (۲) نشان داده است که افراد با سواد، صبورتر هستند و همین امر باعث می‌شود فرد در مجازات پس از انجام جرم، تامل بیشتری کرده و همین مانع از ارتکاب به جرم شود.

از سوی دیگر، افرادی که به دلایل مختلف، از جمله استعداد بالایشان در ارتکاب به جرم و لذت بردن از آن یا پتانسیل بالای محیط اطرافشان و ... دست به ارتکاب جرایم می‌زنند، احتمال ترک مدرسه در سنین پایین برایشان بالاتر است (۳). همچنین دستگیری و زندانی شدن نوجوانی که مرتکب جرم شده است، ممکن است منجر به محرومیت تحصیلی او شود (۴).

لذا نمی‌توان رابطه را یک طرفه دیده و استدلال کرد که فردی که سواد پایین‌تری دارد، الزاماً احتمال ارتکاب به جرم کمتری هم در او دیده می‌شود.



اما در مورد جرایم سفید مانند تقلب، اختلاس، جعل اسناد و... هیچ ارتباط مستقیمی بین میزان جرایم و تحصیلات گزارش نشده. البته باید توجه داشت که داده‌های مطالعات بر اساس میزان دستگیری‌ها می‌باشد (۴).

افزایش جرم و خشونت توسط دانش‌آموزان در سال‌های اخیر، علی‌الخصوص در مدارس آمریکا، مسائلی را به میان کشیده و بعد دیگری از ارتباط بین دانش‌آموزان و سهولت رواج بین تمایلات به ارتکاب جرایم خشونت‌نا را نمایش داده است. نگرش‌ها و مطالعات در ابعاد بسیار این روابط و مسائل، همچنان گشوده و ادامه‌دار هستند.

همچنین در سنین متوسط، یک سال افزایش تحصیل، موجب ۳٪ درصد کاهش در جرایم می‌شود. این مقدار در مورد افراد بدون تحصیلات بین ۸۵٪ الی ۱ درصد بود.

۱۱ الی ۱۲ درصدی در ارتکاب جرایم خشونت‌نا مربوط به اموال شده است. اما این کاهش در مورد برخی جرایم خاص به شدت قابل توجه بوده است. به عنوان مثال، این یک سال افزایش در مدت تحصیل، موجب کاهش ۳۰ درصدی در آمار قتل و حملات، کاهش بیست درصدی سرقت وسیله نقلیه و کاهش سیزده درصدی ایجاد حریق عمدی شده است. همچنین در سرقت و دزدی با ورود به منزل نیز ۶ درصد کاهش مشاهده شده است. درصد تغییرات در آمار جیب‌بری قابل چشم‌پوشی بوده، اما در آمار تجاوز کاهش بسیار چشمگیری دیده می‌شود. درصد تغییرات در آمار تجاوز به دلیل پیچیدگی مدل برای توصیف آن ارائه نشده، اما رابطه مستقیم و قابل تاملی بین تحصیلات و کاهش این جرم گزارش شده است. در مورد میزان بالاتر تحصیلات هم تا ۱۰ الی ۲۰ درصد افزایش در میزان تحصیلات، همچنان روابط مشابه و یکسانی مشاهده گردیده است.

در تحقیقی که در سال ۲۰۱۱ در مجله اقتصاد منتشر شد (۵)، نتایج بررسی‌ها در انگلیس نشان می‌داد که هزینه تحصیل، کاملاً با منافع ناشی از کاهش جرم در اجتماع جبران می‌شود.

همچنین مطالعات (۶) نشان می‌دهد، که با در نظر گرفتن تکمیل دوره دبیرستان به عنوان معیاری برای تحصیلات؛ حدود ده درصد افزایش در آمار فارغ‌التحصیلی، موجب کاهش آمار جرایم از هفت تا نه درصد شده است. در این مطالعه سعی شده که تفکیکی در انواع جرایم نیز صورت گیرد.

نتایج این تفکیک نشان می‌دهد، که نتیجه مطرح شده در مورد انواع گسترده‌ای از جرایم خشونت‌نا از جمله قتل، تجاوز، سرقت مسلحانه و جرایم مربوط به اموال مانند جیب‌بری، سرقت و دزدی با ورود به منزل و سرقت وسیله نقلیه و ایجاد حریق عمدی و ... صادق است. در واقع یک سال افزایش در مقدار متوسط دوره تحصیلات، موجب کاهش

(Education and Crime (utrgv.edu

Becker, G.S. and Mulligan, C.B., 1997. The endogenous determination of time preference. *The Quarterly Journal of Economics*, 112(3), pp.729-758

Lochner, L. (2004), "Education, Work, and Crime: A Human Capital Approach", *International Economic Review* 45, 811-43

Lochner, L., 2020. Education and crime. In *The economics of education* (pp. 109-117). Academic Press

Machin, S., Marie, O. and Vujčić, S., 2011. The crime reducing effect of education. *The Economic Journal*, 121(552), pp.463-484. The Crime Reducing Effect of Education (iza.org

Lochner, L. and E. Moretti (2004), "The Effect of Education on Crime: Evidence from Prison Inmates, Arrests, and Self-Reports", *American Economic Review* 94, 155-80

(The Impact of Education on Crime: International Evidence (ifo.de

School Crime and Violence on the Rise for Students and Teachers | US News

(Why education reduces crime | VOX, CEPR Policy Portal (voxeu.org

D. Mark Anderson; In School and Out of Trouble? The Minimum Dropout Age and Juvenile Crime. *The Review of Economics and Statistics* 2014; 96 (2):

318-331. doi: [https://doi.org/10.1162/REST\\_a\\_00360](https://doi.org/10.1162/REST_a_00360)

Groot, W. and van den Brink, H.M., 2010. The effects of education on crime. *Applied economics*, 42(3), pp.279-289

Hjalmarsson, R. (2008), "Criminal Justice Involvement and High School Completion", *Journal of Urban Economics* 63, 613-30



Photo: Omid Vahabzadeh

Fars News Agency

## آموزش مهاجران

مهسا رویین تن

داوطلب در ایران در تلاشند تا کمک کنند و این بچه‌ها را به مدرسه بفرستند. اما با وجود تامین هزینه‌های مالی و راضی کردن خانواده‌ها، ثبت‌نام قانونی در مدارس موضوع دیگریست. سعی می‌شود سالانه با صدور کارت‌های آبی از طرف وزارت خارجه این بچه‌ها شناسایی شوند و امکان ثبت نامشان در مدارس فراهم شود. اما برخی از خانواده‌ها در زمان مناسب رجوع نمی‌کنند یا به دلایل دیگر موفق به اخذ کارت آبی نمی‌شوند. در اینجا گاه مدیر و ناظم مدرسه بر اساس اختیارات شخصی ممکن است دانش‌آموزان را در مدرسه بپذیرند. اما اینکه به دلایل فقر و مشکلات خانوادگی، کار کودک یا ازدواج در سنین پایین، ادامه تحصیل این کودکان چقدر میسر می‌شود موضوع دیگریست. با این شرایط حتی در صورت اخذ دیپلم، امکان ادامه تحصیل در مقاطع آموزش عالی برای آنها فراهم نمی‌شود. البته که مهاجران قانونی از امکان تحصیل قانونی در تمامی مقاطع برخوردارند. مهاجران افغان به دلیل خاستگاه مشترک زبانی، معمولاً به مشکلات زبانی حادی برخورد نمی‌کنند. اما تلاشی هم برای آموزش فرهنگ و قوانین کشور به آنها صورت نمی‌گیرد. این امر با در نظر گرفتن اینکه به دلایل اقتصادی، قانونی و اجتماعی این مهاجران اغلب در انزوا زندگی می‌کنند نیاز به تلاش و توجهی ویژه دارد.

رفع یا کاسته شده است و اگر هم به کشور خودشان برگردند به نوعی مروج و مبلغ زبان و فرهنگ آمریکایی خواهند بود. از طرف دیگر این اداره‌ها یا مراکز مشابه در سطح شهر معمولاً در کنار کمک به دانشجویان و خانواده‌هایشان به سایر مهاجران نیز این کمک‌های داوطلبانه را ارائه می‌دهند. برای ارائه این خدمات رابطه نزدیکی بین دانشگاه و سازمان‌های مردم نهاد و خیریه‌ها وجود دارد. همه این‌ها به لطف استفاده از نیروهای داوطلب با حداقل هزینه صورت می‌گیرد. در حالی که در دانشگاه شهید بهشتی همه این هزینه‌ها بر عهده دانشگاه بود و از دانشجویان و داوطلبان کمکی گرفته نمی‌شد. کمکی که می‌توانست هم به غنای فرهنگی و تجربه طرفین و هم به کاهش هزینه‌ها بیانجامد. در خصوص آموزش مهاجران در مدرسه، بر اساس تجربه شخصی در همکاری با سازمان‌های مردم نهاد لازم به ذکر می‌دانم، بیشترین تعداد مهاجران در ایران را مهاجران افغان دارند که به دلیل جنگ و ناامنی بسیاری از آن‌ها به صورت غیر قانونی وارد کشور می‌شوند یا حتی اگر قانونی به کشور وارد شوند به دلیل فقر و هزینه‌بر بودن مدارک قانونی از تمدید قانونی اقامت شان خودداری می‌کنند. این قشر معمولاً با کودک به عنوان نیروی کار برخورد می‌کنند یا به خاطر هزینه‌ها ترجیح می‌دهند آن‌ها را در خانه نگهدارند. بسیاری از سمن‌ها و نیروهای

وقتی از آموزش مهاجران صحبت می‌شود باید دقت کنیم از مهاجرت ایرانیان در داخل کشور حرف می‌زنیم یا از مهاجرت خارجی‌ها به ایران. در این یادداشت منظور از مهاجران، حضور غیر ایرانی‌ها در داخل ایران است. به علاوه در بحث از آموزش، چندین نوع آموزش یا به عبارتی، ابعاد مختلف آموزش مد نظر است. اولین چالش، آموزش زبان است. دومی آموزش فرهنگ و قوانین و عرف جامعه مقصد، سومی آموزش رسمی کودکان در مدرسه و بعد آموزش بزرگسالان در دانشگاه مطرح می‌شود. برای مثال آمریکا به عنوان یکی از مهاجرپذیرترین کشورهای دنیا محل تحصیل دانشجویان خارجی بسیاری است. بسیاری از این مهاجران و دانشجویان خارجی زبان انگلیسی را در کشور خودشان می‌آموزند و برخی با ورود به آمریکا آموزش زبان انگلیسی را شروع می‌کنند. در دانشگاه‌های آمریکا هم چون دانشگاه محل تحصیل خودم در ایران، دانشگاه شهید بهشتی، دفتری جهت اداره امور خارجیان وجود دارد. یکی از کارهایی که این دفتر انجام می‌دهد جذب داوطلبین به خصوص داوطلبین آمریکایی برای آموزش زبان و فرهنگ این کشور به دانشجویان خارجی و خانواده‌هایشان است. بسیاری از این دانشجویان بعداً در آمریکا مشغول به کار می‌شوند و اقدام به اخذ اقامت قانونی می‌کنند و تا آن زمان معمولاً مشکلات زبانی و فرهنگی‌شان





## بحران؛ کودکان کار یا کار کودکان

حامد سقایی

<https://www.aljazeera.com/news/2016/8/22/child-labour-a-growing-problem-in-war-torn-iraq>

استناد به آمارهای سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد در سال ۲۰۰۰ تعداد ۲۴۶ میلیون نفر کودک کار در سراسر جهان وجود داشته است (معادل ۱۶ درصد از کل کودکان جهان) که این رقم در سال ۲۰۱۶ به ۱۵۲ میلیون نفر (۹/۶ درصد) کاهش یافته است. هرچند این روند امیدوارکننده است اما همین گزارش نشان می‌دهد طی چند سال گذشته، درگیری‌ها، بحران‌ها و از سال ۲۰۲۰، همه‌گیری کووید-۱۹ خانواده‌های بیشتری را در فقر فرو برده و میلیون‌ها کودک دیگر را مجبور به کار کرده است. بنا بر برآوردها، امروزه، ۱۶۰ میلیون کودک هنوز درگیر کار کودکان هستند که برخی از آنها ۵ سال سن دارند.

با وجود این مشکلات، آنچه این آمار به آن تأکید دارد این است که حذف کار کودک شدنی است و در این مسیر بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار (۲۰۲۲) حمایت‌های اجتماعی دولتی یک عامل ضروری بوده است. این حمایت‌ها از طریق کاهش ریسک فقر و آسیب خانواده، حمایت از سطح معیشت و ثبت نام کودکان در مدارس به کاهش کار کودک انجامیده است. بر اساس برآوردهای موجود قبل از همه‌گیری کرونا، کشورهای کم درآمد و کشورهای با درآمد متوسط پایین به ترتیب ۱/۱ و ۲/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را صرف حمایت اجتماعی (به استثنای مراقبت‌های بهداشتی) می‌کردند اما در کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا ۸ درصد و در کشورهای با درآمد بالا ۱۶/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورها

صرف حمایت اجتماعی می‌شود. هرچند از نظر سازمان بین‌المللی کار سهم اختصاص یافته به کودکان کمتر از انتظارات است. روند کاهش کار کودک در دنیا و گسترش حمایت اجتماعی در حالی طی شده است که بعضاً در کشورها در سال‌های اخیر دولت‌ها به روش‌های مختلف سعی در کم‌رنگ جلوه دادن موضوع کار کودک داشته‌اند. این هدف از روش‌های مختلفی پیگیری شده است که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- مافیا سازی: در حالی که سازمان‌های مردم نهاد بر اساس تجربیات خود همیشه تأکید داشته‌اند که کودکان کار عموماً درون خانواده هستند و با اعضای خانواده زندگی می‌کنند و فقر خانواده و ناتوانی سرپرستان از تأمین درآمد مکفی، کودکان را وادار به کار می‌کند اما رسانه‌های عمومی در تلاش بوده‌اند تا تصویری مافیایی از کودکان کار بسازند؛ کودکانی که تحت سرپرستی افراد خاص به دنبال کسب منفعت‌های کلان برای آنها هستند. نکته مهم در ترویج این دیدگاه آن است که در نهایت سبب می‌شود مقابله با این پدیده از دایره سیاست‌های حمایتی خارج شده و به حوزه امنیتی و مقابله با کودک کار و نه کار کودک تقلیل یابد.

۲- حساسیت‌زدایی: نگاه دیگری که وجود دارد، حساسیت‌زدایی از کار کودک و پذیرش آن بوده است. در این راستا بیان جملاتی که به نحوی از دادن فرصت اشتغال به کودکان برای ایفای نقش‌های خود در یک

محیط امن کار سخن می‌گوید یا به گونه‌ای از عار نبودن کار برای کودک دفاع می‌کند، درکی اشتباه از این بحران اجتماعی را نشان می‌دهد.

۳- تجارت فقر: رویکرد سومی نیز که طی سال‌های گذشته تبلیغ شده است ترویج افرادی است که با دست گرفتن دوربین به محله‌های فقیرنشین رفته و از بازنمایی معضلات اجتماعی از جمله کار کودک برای جذب کمک‌های عمومی و البته شهرت فردی استفاده می‌کنند.

در نهایت در تمامی این روندها آنچه مشترک است، تأثیر بحران‌های اقتصادی و سیاسی دنیای امروز بر کمتر شدن توانایی دولت‌ها در حل بحران‌های اجتماعی است؛ دولتی که به اعتبار تمام گزارش‌های رسمی عامل و مسئول اصلی در کاهش آسیب‌های اجتماعی و به طور خاص کار کودکان است. و اینجاست که پیش از هر زمان دیگر، نقش نهادهای اجتماعی و گروه‌های مدنی نیاز جامعه است و علاوه بر حساسیت داشتن نسبت به تصمیم دولت‌ها، تلاش‌های جمعی از لحاظ نرم افزاری در قالب تولید برنامه‌های آگاهی دهنده به جامعه در پذیرش کودکانی که فقر آنها را به کار واداشته در کمک به درک ماجرا بسیار مهم است. از لحاظ دیگر، کمک‌های مالی و حمایتی همه‌ی دغدغه‌مندان این بحران - که واقف به تأثیر بسزای مقوله‌ی کودکان کار در ساختار اجتماعی حال و آینده کشور هستند- تنها راه‌های شناخته شده در رفع معضل کار کودکان هستند.

## آموزش افراد کم توان

آصفه غدیری بیدهدنی



را خوب می‌شناختم، می‌دانستم نه کسی به آنها گفته اینطور رفتار کنند و نه اصلا جایی نوشته شده. که فقط چشم دیده، عادت کرده و یاد گرفته که جامعه و امکانات شهری، از اولین سال‌های مهدکودک تا آخرین سال بازنشستگی به یک اندازه متعلق به همه‌ی کسانیست که لزوماً و همیشه شبیه به هم نیستند.

یادم هست یک جایی خوانده بودم مهاجری بعد از رسیدن به آلمان و از دیدن تعداد بالای افراد کم توان در مکان‌های عمومی با خودش فکر کرده بود چطور معلولیت اینجا و در یک کشور پیشرفته انقدر بیشتر است از کشورهای در حال توسعه؟ تا فهمیده بود که این نه از بیشتر بودن تعدادشان، که از توانمند تر بودنشان است و حضوری که به خاطر نبود امکانات و خطرهای احتمالی و نگاه‌های کنجکاو یا ترحم آمیز و برخورد‌های اشتباه از آنها دریغ نشده.

حالا بعد از دو سالی که از روزهای اول کاری ام گذشته، اعتراف میکنم من معلم چه درس‌ها که از این کلاس نگرفتم...

سهم می‌بردند. انگار که مدرسه و سیستم آموزشی نه فقط هوای همه‌ی بچه‌ها را داشت، بلکه با ادغام همه‌ی دانش‌آموزان به آنها یادآوری می‌کرد که جامعه‌ی فردا چیزی شبیه همین جاست: با افرادی گاه و بسیار متفاوت.

اما چیزی که بیشتر از دیدن حضور این بچه‌ها در کلاس‌های معمولی مدارس دولتی برایم تازگی داشت، برخورد خود بچه‌ها بود:

روزی که دانش‌آموزی با اخلاص حرکتی در نوشتن نکات روی تخته عقب افتاد و دو نفری که همزمان برای کمک به سمتش دویدند. پسری با نیازهای ویژه که آنقدر سرگرم بازی بود که یادش رفته نیاز به دستشویی داشته و هیچکس نخواستند وقتش شلوارش خیس شد. صبوری یک کلاس و سکوت تشویق آمیزشان وقتی همکلاسی دچار لکنت زبان برای خواندن دو خط، چند دقیقه وقت گرفت. و بچه‌هایی که هرگز نه به عصا و ویلچیر و سمعک دیگران خیره شدند و نه به کوتاهی قد و چاقی و کجی پاها.

و من که حالا معلم این بچه‌ها بودم و نگاه‌هایشان

یک سالی از مهاجرتم به کشوری سرد از اروپای شمالی میگذشت و تازه یک کار نیمه وقت معلمی برای خودم دست و پا کرده بودم. بی‌اغراق، همه چیز مدرسه‌ی محل کارم با خاطراتی که از سالهای تحصیل و تدریس در ایران در ذهنم بود، فرق داشت. اما یک چیز بیشتر از همه:

دانش‌آموزی با اختلال خوانش پریشی که از روز اول گفتند برای غلط‌های املائی نباید نمره‌ای از دست بدهد. یک مبتلا به اوتیسم که آخر ترم، امتحان جداگانه‌ای برایش طراحی کرده بودند تا با خط کش معمول بچه‌های دیگر سنجیده نشود. ناشنوایی که برخلاف تنها همکلاسی کم‌شنوایم در دانشگاه، سمعک را مخفی نمی‌کرد. دختری که گاهی با بستن یکی از چشم‌ها از زیر آن عینک قطور ته استکانی سر کلاس می‌آمد و بعدا فهمیدم تنبلی چشم دارد. رمپ مخصوص ویلچیر که انگار میگفت تحصیل در این مدرسه برای هیچ کسی ناممکن نیست. و نمونه‌های بسیار دیگری از مبتلایان به بیش‌فعالی، اختلال تمرکز و توجه و وسواس که به یک اندازه از کلاس‌های درس





## همراهان بدون مرز در سه ماهه ی دوم ۲۰۲۲



### خلاصه آمار این دوره

✓ **۳۷۴،۰۳۴،۷۲۶** تومان توسط خیرین به حساب‌های ارزی و ریالی انجمن واریز شد

✓ **۳۰۴،۶۷۹،۵۰۰** تومان به اجرای طرح‌ها اختصاص یافت

✓ **۹۹،۷۹۹،۲۹۷،۹** تومان (حدود ۲۵ درصد درآمدها) صرف هزینه‌های اجرایی شد



شکل شماره ۱

همراهان بدون مرز همواره بر این تلاشند که در گستره‌ی جغرافیایی حداکثری، یاری‌رسانی‌های خود را انجام دهند. رویکرد و عقیده‌ی ما، یاری‌رسانی فارغ از مرزهای جغرافیایی است. در شکل شماره ۵ گستره‌ی جغرافیایی کمک‌های مالی همراهان بدون مرز در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۲ قابل مشاهده است.

تلاش انجمن شناسایی افراد کم‌برخوردار توسط رابطین معتمد، فراهم آوردن امکانات و تسهیلات در حد توان مجموعه و در عین حال حفظ کرامت انسانی تمام افراد است. در هیچ یک از گزارش‌هایی که برای اعضای انجمن و نیز در صفحات مجازی انجمن منتشر می‌شود، تصویر، نام و مشخصات فرد کم‌برخوردار گفته نمی‌شود. به امید آنکه تمام کودکان از حق تحصیل برخوردار باشند و همه‌ی انسان‌ها، فارغ از مرز و نژاد از حداقل‌های رفاهی زندگی روزمره برخوردار باشند.

بر این باوریم که وظیفه‌ی انسانی هر یک از ما ایجاب می‌کند که با هدف ارتقای آگاهی جمعی آینده‌سازان کشورمان، در کنار هم بسترهایی با ثبات برای آموزش و تحصیل فرزندان ایران فراهم آوریم. ما به قدم‌های کوچکمان امید داریم تا با همراهی شما عزیزان، هر چه بیشتر در راستای عدالت آموزشی و فراهم نمودن امکان تحصیل برای دانش‌آموزان قدم برداریم.

با حمایت‌های شما همراهان گرامی و تلاش کارگروه‌های مختلف انجمن در سال ۱۴۰۱، ۱۵۵۹ نفر در قالب ۸ طرح موردی و ماهیانه مورد حمایت انجمن قرار گرفته‌اند.

کارگروه مالی انجمن همراهان بدون مرز هر سه ماه، گزارشی دقیق و شفاف از میزان درآمدها و هزینه‌های جاری انجمن، یاری‌رسانی‌های انجمن به طرح‌های مصوب و اجرا شده ارائه می‌دهد. هر یک از اعضا می‌توانند سوالات و ابهامات خود را با دبیر کارگروه و یا بازرس انجمن مطرح نمایند.

لازم به ذکر است که انجمن از تمامی همراهان خود تقاضا دارد که طرح‌ها و فعالیت‌های انجمن را از طریق مشارکت‌های ماهیانه و منظم همراهی کنند. کمک‌های منظم ماهانه، به انجمن امکان اختصاص منظم منابع مالی را برای طرح‌هایی مانند بورسیه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان پرتلاش فراهم می‌کند. با اطلاع‌رسانی‌های انجمن پیرامون اهمیت همیاری ماهانه و نیز حمایت همراهان عزیز، تعداد همراهان منظم انجمن به ۷۱ نفر افزایش یافت و امید است که با توجه به طرح‌ها و چشم‌انداز انجمن، این تعداد همچنان افزایش یابد.

مجموع همیاری‌ها به انجمن در سه ماهه ی دوم سال ۲۰۲۲ حدود ۱۱۹۳۴ یورو بوده است که با جزئیات بیشتر در شکل‌های شماره‌ی ۱ و ۲ نشان داده شده است. تمامی همیاری‌های مالی انجمن از طریق وبسایت انجمن صورت می‌گیرد.

همیاری‌های انجمن در بخش‌های مختلف با توجه به اهداف تعریف شده‌ی انجمن، به همراه بودجه‌ی در نظر گرفته شده، در شکل‌های ۳ و ۴ قابل مشاهده است. لازم به یادآوری است که جزئیات تصویب و اجرای همه‌ی طرح‌ها در گزارش اختصاصی هر طرح و نیز گزارش مالی، به طور جداگانه در اختیار اعضا قرار می‌گیرد.

در این سلسله گزارش‌ها به طور خلاصه روند اجرای طرح‌های مصوب انجمن، میزان همیاری‌ها و وضعیت کلی انجمن در سه ماهه‌ی گذشته‌ی میلادی را به اطلاع خوانندگان عزیز می‌رسانیم. امید است که این گزارش‌ها به شفافیت بیشتر عملکرد انجمن منجر شود و همراهان عزیز را بیش از پیش از اخبار، روند و رویکرد انجمن آگاه سازد. این گزارش، خلاصه‌ای از آنچه در سه ماهه گذشته انجام شده می‌باشد و جزئیات دقیق هر طرح، از طریق وبسایت و شبکه‌های مجازی انجمن منتشر می‌شوند. همراهان عزیز می‌توانند با مراجعه به وبسایت، از تمامی اخبار و فعالیت‌های انجمن آگاه شوند. همچنین، امکان همیاری مالی منظم و موردی، از طریق درگاه اینترنتی فراهم است و همراهان می‌توانند با اطمینان و به راحتی به طور آنلاین، همیاری مالی داشته باشند.

[/https://rwb.charity/general-donation-form](https://rwb.charity/general-donation-form)

در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۲ شاهد فعالیت‌ها و برنامه‌های متنوعی بودیم. گفتگوها و رایزنی‌ها پیرامون پروژه‌های کمپین مهرانه ۱۴۰۱ آغاز شد، همچنین علاوه بر ادامه ی طرح‌های قبلی انجمن، دیگر طرح‌های تصویب و اجرا شده‌ی انجمن در سه ماهه‌ی دوم سال ۲۰۲۲ به شرح ذیل هستند:

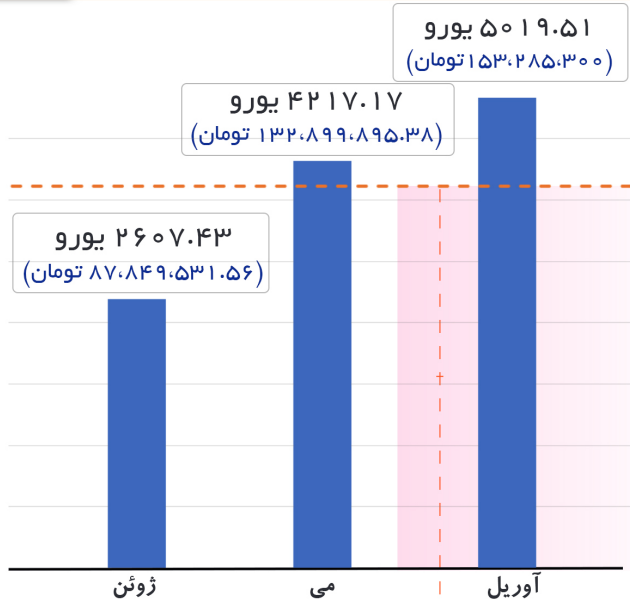
**طرح کمک هزینه حمایت از کودک قطع نخاع مادرزادی به مدت ۱۲ ماه، ۷/۲ میلیون تومان**

**طرح حمایت خرید کتب درسی برای ۴۰۰ دانش آموز، ۲۰ میلیون تومان (علی الحساب)**

**طرح یاری ساخت مدرسه ۲کلاسه برای ۴۰ دانش آموز، ۳۸۶ میلیون تومان**



### کمک‌های واریز شده به حساب‌های انجمن

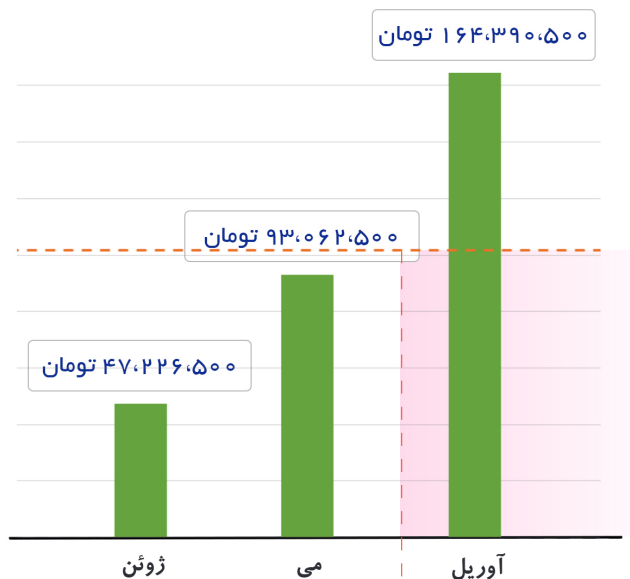


○ میانگین درآمدها در ماه‌های آوریل، می و ژوئن  
\* معادل ریالی با ضریب تبدیل در زمان واریز کمک‌ها محاسبه شده است.

شکل شماره ۲



### یاری‌رسانی‌های انجمن

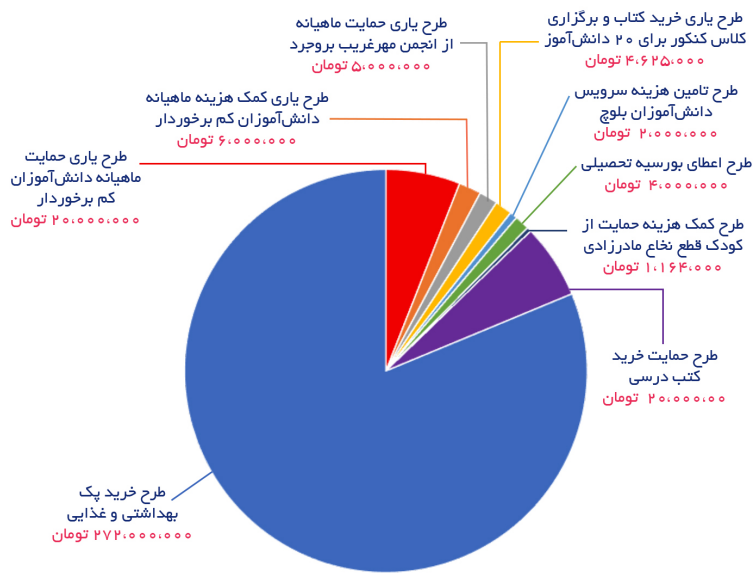


○ میانگین هزینه‌کردها در ماه‌های آوریل، می و ژوئن

شکل شماره ۳



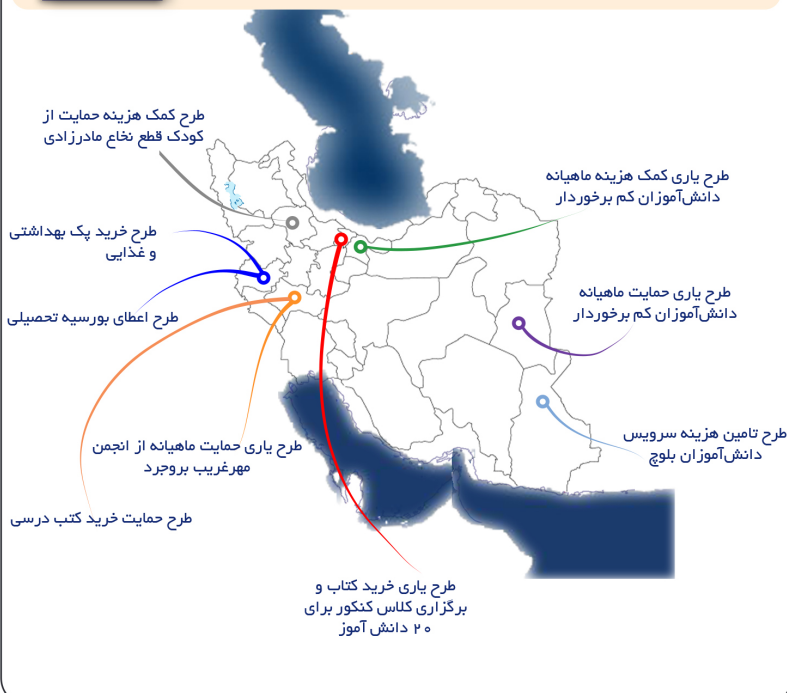
### طرح های اجرا شده



شکل شماره ۴



### پراکندگی جغرافیایی طرح ها

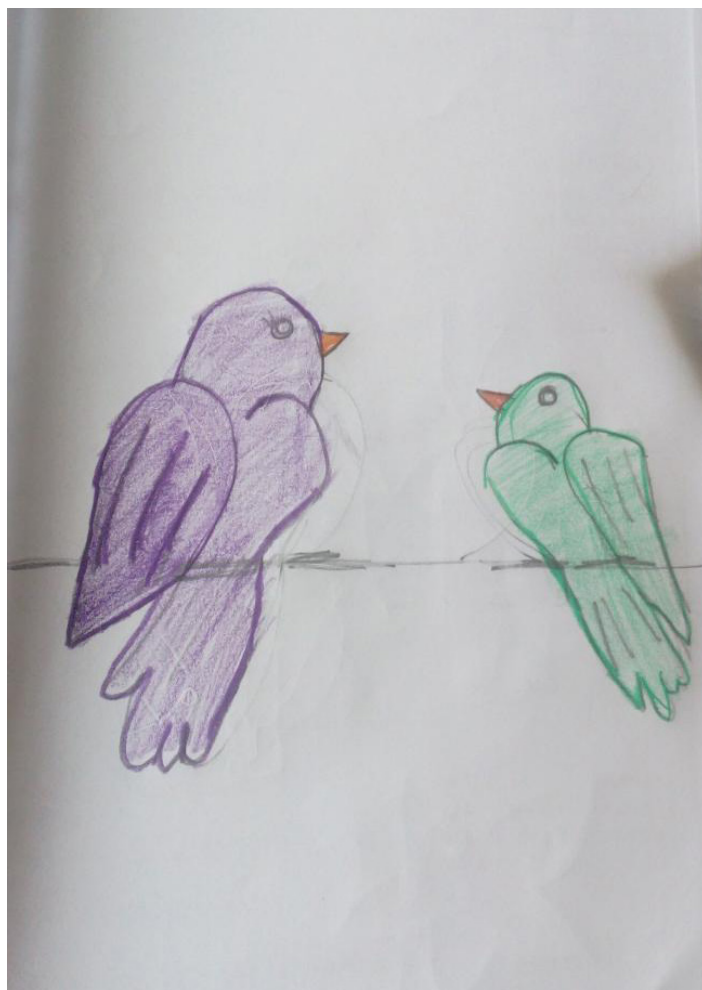


شکل شماره ۵

## بوم نقاشی

نگاره هایی از ستایش و ثریا عزیز برای انجمن همراهان بدون مرز.







همراه بدون مرز باشیم...